



یادداشت

وقایع ارومیه و ضرورت حل دموکراتیک مسئله ملی

صادق کار



توجه عاجل به وقایع اخیر در ارومیه که با هدف ایجاد تفرقه و در صورت لزوم برافروختن جنگ فرقه‌ای میان کرد و ترک و شیعه و سنی توسط عوامل رژیم انجام گرفت از جهات دیگری نیز اهمیت دارد و می‌تواند برای ایجاد چند دستگی‌های کاذب در مناطق دیگر کشور و در میان اپوزسیون از طرف رژیم بکار گرفته شود.

انگیزه ظاهری وقایع ارومیه تلفیقی از واکنش نسبت به مراسم همایش‌های فرهنگی-سیاسی بی نظیر در شهرهای کردستان و در ارومیه و تقارن بعضی از همایش‌ها با روز کشته شدن امام اول شیعیان بود.

دستگاه‌های سرکوبگر و توطئه چین رژیم با سازماندهی چماق‌داران و به میدان آوردن عوامل مرتجع خود تلاش کردند با سازماندهی این مراسم در ارومیه هم کردها را بواسطه برپایی همایش‌های شان مجازات کنند و هم با ایجاد درگیری بین کرد و ترک از تکرار همایش‌های اعتراضی مشابه و اعتراضات ضد رژیم در آینده جلوگیری کنند.

وجود چماق‌های یک دست و یک رنگ و یک اندازه، و عربده جویی‌های اوباشان حرفه‌ای حیدر حیدر گو و شرکت عناصر مزد بگیر رژیم در نهادهای حکومتی که در این حرکت حضور داشتند، به تنهایی برای اثبات دست داشتن دستگاه‌های اطلاعاتی سرکوبگر رژیم در ماجرا کفایت میکند. مشابه این صحنه آرایبی و مشارکت اوباشان حرفه‌ای حیدر حیدر گو آتش به اختیار را ما در هنگام سرکوب خیابانی جنبش ۸۸ و همچنین در مراسم ختم آقای منتظری در قم مشاهده کرده بودیم. آنها را معمولاً به قصد ایجاد رعب به میان تظاهرات ضد رژیمی گسیل می‌کنند. در رضائیه خوشبختانه نتوانستند فراتر از تهدید کاری انجام دهند. سازماندهندگان این فتنه حکومتی نیز بواسطه نگرانی از پیامدهای عواقب کار جرئت به خشونت کشاندن تجمع را نداشتند. این جور هم نبود که همه‌ی ترک‌ها و کردهای شهر برای رودرویی به محل تجمع آماده باشند.

به کمک عوامل حکومتی توانستند عده‌ای از مردم عادی را که تعصب افراطی مذهبی و قومی داشتند را هم به معرکه بکشانند و از وجود آنها در جهت امیال پلیدشان ستواستفاده کنند و صورت مسئله را تغییر دهند، اما نتوانستند آنطور که می‌خواستند به هدف شان برسند.



بعد از این واقعه تلخ عوامل رنگا رنگ سایبری رژیم در فضای مجازی که ماموریت یافته بودند بهر وسیله به دشمنی در میان کرد و ترک دامن بزنند، سعی کردند نگذارند آتش این فتنه خاموش شود. در این میان متأسفانه بعضی از جریان‌های مرکز گرا که حتی آموزش به زبان مادری را مصداق تجزیه طلبی می دانند و با آن مخالفت می ورزند، با انتشار پیام‌هایی دانسته و نا دانسته از سازمانگران این پروژه امنیتی تلوخا حمایت و از این فرصت برای توجیه اندیشه‌های مرکزگرایانه و غیر دمکراتیک خود بهره بگیرند

در میان جماعت انبوهی که قبل از این حرکت در همایش نروزی مردم ارومیه بر گزار شد هیچکس نمی تواند ادعا کند که همه ی آنها کرد بودند و ترکها و ارمنی‌ها و شیعه‌ها در آن همایش حضور نداشتند. تلاش برای تبدیل این حرکت به جنگ مذهبی البته محکوم به شکست است، زیرا مردم آذربایجان همانقدر از تعصبات دینی فاصله گرفته‌اند، که مردم کردستان و سایر نقاط ایران، اما امکان ستواسفاده از احساسات ملی و قومی برای ایجاد تفرقه و شکاف همچنان وجود دارد و رژیم سعی خواهد کرد از آن برای جلوگیری از مبارزه متحدانه مردم علیه خودش بهره بگیرد. مردم کردستان و آذربایجان در جریان جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی در سنگر این جنبش دوش به دوش هم و مردم سایر نقاط کشور به رغم تلاشهای تفرقه افکنانه پان‌های ارتجاعی ترک و کرد مبارزه کردند. در بلوچستان مردم محروم بیش از صد کشته در دفاع از جنبش ژنیایی دادند

بهمین جهت راه انداختن اختلافات قومی پروژه‌ی برای ایجاد اختلاف در میان مخالفان رژیم و بویژه در مناطقی است که نقش مهمتری در جنبش زن، زندگی، آزادی و مبارزات حال و گذشته دارند. رژیم روی این کار بعنوان وسیله‌ی سرکوب حساب باز کرده، بهمین جهت بسیار مهم است که به دام آن نیفتاد

برای رژیم فرقی نمیکند که مخالفان اش چه مسلک و ملیت و دینی دارند، کرد، ترک، بلوچ، شیعه، سنی لائیک همه را سرکوب می کند. تنها عدالتی که رژیم رعایت می کند، عدالت در سرکوب است. ادامه چنین درگیری‌هایی نتیجه‌ای جز کمک به بقای حاکمیت استبدادی موجود و تضعیف فعالیت‌های آزادیخواهانه گروه‌ها و احزاب ملی و قومی ندارد. بهمین جهت هر آن کس که خود را دمکرات و آزادیخواه، طرفدار عدالت و مدافع حقوق بشر می داند و برای متحقق شدن چنین ارزشهایی مبارزه و فعالیت می کند، باید به سهم خود اهداف پس پرده چنین پروژه‌هایی را افشا و برای همزیستی صلح آمیز و دمکراتیک ملیتها و اقوام مختلف در کنار یکدیگر تلاش کند. آنهایی که حاضر نیستند حقوق ملیتها، اقوام، مذاهب و شهروندان را به رسمیت بشناسند، در واقع امنیت، توسعه، صلح و یک پارچگی کشور را بصورت دائمی به مخاطره می اندازند و به بیگانگان فرصت می دهند با بهره گیری از اختلافات قومی و مذهبی از این اختلافات سئو استفاده کنند. نیروهای چپ نهادهای کارگری و همه‌ی نیروهایی که آزادی و برابری و آسایش انسان، صلح و عدالت بر هر چیز دیگری برایشان ارزش و اولویت دارد، می توانند نقش موثری در کاهش و رفع اختلافات این چنینی به عهده داشته باشند. بهر حال ایران بدون حل دمکراتیک مسئله ملی و قومی به صورت مسالمت آمیز نمی تواند به آزادی و توسعه و عدالت برسد. انکار حقوق ملیتها و اقوام و تلاش‌های سرکوبگرانه طی صد سال گذشته باید به مرکز گرایان این واقعیت را آموخته باشد، که انکار حقوق و سرکوب ملیتها نه‌لازم است، نه نتیجه بخش است، نه دمکراتیک و انسانی است. وقایع ارومیه با وجود اینکه عوامل رژیم در سازماندهی آن نقش اصلی را به عهده داشتند، بار دیگر اهمیت حل دمکراتیک مسئله ملی و قومی را عیان کرد

از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن

بپیوندید!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!



علل و راه‌های نابرابری جنسیتی در کار بخش اول

چولین چو، دانشکده اقتصاد دانشگاه تیانجین، چین

چولین چو



چکیده

در این نوشته، نابرابری جنسیتی به معنای برخورد متفاوت با افراد به دلیل جنسیت آن‌ها تعریف شده است. در این بررسی، مشخص شده است که نابرابری جنسیتی در محیط کار به طور گسترده‌ای رایج است، از جمله شیوع آزار جنسی، دسترسی آسان‌تر مردان نسبت به زنان به فرصت‌های ارتقاء، تفاوت‌های ناهنجار در سن بازنشستگی میان زنان و مردان که می‌تواند پیامدهای منفی برای کارکنان، شرکت‌ها و جامعه داشته باشند. این امر نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی همچنان یک چالش مهم در ایجاد محیط کاری ایمن و حمایتگر است. علاوه بر این، اهمیت مطالعه نابرابری جنسیتی در محیط کار مورد بحث قرار گرفته است تا توجه بیشتری به این مسئله جلب شود. همچنین، علل اصلی این پدیده‌ها، از جمله جنسیت‌گرایی، تأثیر پدرسالاری و فرهنگ سنتی، و فقدان آموزش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت، مقاله به راه‌حل‌های ممکن برای رفع این مشکل پرداخته است؛ از جمله توانمندسازی زنان، وضع و کاربست قوانین مناسب و آموزش برای افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق و کرامت انسانی شان.

مقدمه

2.1 تعریف نابرابری جنسیتی

نابرابری جنسیتی در سراسر جهان وجود دارد و مطالعات مختلف تعاریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. سن نابرابری جنسیتی را پدیده‌ای همگن نمی‌دانند، بلکه مجموعه‌ای از مسائل مختلف و به هم پیوسته (Sen) در مطالعه خود، نابرابری جنسیتی را به عنوان نابرابری در دسترسی زنان به (Arora) تعریف می‌کند. آرورا آموزش و بهداشت تعریف کرده است. در نوشته حاضر نابرابری جنسیتی به معنای برخورد نابرابر با افراد به دلیل جنسیت آن‌ها در نظر گرفته شده است؛ به این معنا که افراد نمی‌توانند از حقوق و فرصت‌های برابر در تمامی حوزه‌ها، از جمله اجتماعی، اقتصادی و آموزشی برخوردار شوند.



2.2 کارکرد نابرابری جنسیتی در محیط کار

در محیط‌های کاری موقت، موارد متعددی از نابرابری جنسیتی مشاهده می‌شود. نخست، زنان غالباً در بیان کرده است که آزار جنسی از زمانی (Fitzgerald) محیط کار مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. فیتزجرالد که زنان برای نخستین بار نیروی کار خود را به بازار عرضه کردند، به بخشی ثابت از زندگی کاری آنان تبدیل شده است. علاوه بر این، زمانی که زنان به عنوان قربانی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، به جای برخورداری از همدردی و حمایت، بیشتر مورد انتقاد قرار می‌گیرند. این مسئله نشان می‌دهد که عدم توجه کافی به حقوق زنان، زمینه‌ساز این نوع آزارها است. در مقابل، مردان به ندرت توسط همکاران یا کارفرمایان، شان مورد آزار قرار می‌گیرند.

مردان نسبت به زنان فرصت‌های ارتقای شغلی بیشتری دارند. همچنین، زنان برای ورود به سطوح مدیریت نابرابری جنسیتی را به یک اژدهای هفت‌سر که در (Van) ارشد با مشکلات بیشتری مواجه اند، و ن حوزه‌های مختلف آکادمیک چهره‌های گوناگونی دارد، تشبیه کرده است. او همچنین اشاره دارد که کمبود حضور زنان در موقعیت‌های ارشد دانشگاهی همچنان در سطح بین‌المللی یک واقعیت عمومی است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که توانایی‌های زنان به اندازه توانایی‌های مردان ارزش‌گذاری نمی‌شود، و شرکتها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ارتقای شغلی، درباره زنان تأمل و سختگیری بیشتری دارند. این مسئله به این باور عمومی بازمی‌گردد که زنان برای انجام امور خانه بهتر، و مردان برای کار خارج از خانه و تأمین هزینه‌های خانواده مناسب‌تر اند.

سرانجام این که سن بازنشستگی برای مردان و زنان در سراسر جهان متفاوت است. معمولاً مردان دیرتر از مطالعه‌ای انجام داده که در آن 172 کشور و منطقه مورد بررسی قرار (Pan) زنان بازنشسته می‌شوند. پان گرفته‌اند. به استثنای هفت کشور و منطقه، که سن بازنشستگی در آنها مشخص نشده، در 67 کشور و منطقه، سن بازنشستگی زنان پایین‌تر از مردان است. این تعداد شامل 15 کشور در آسیا (به شمول خاورمیانه) و شمال آفریقا، 8 کشور در آفریقای جنوب صحرايي، 24 کشور در اروپای شرقی و جمهوری‌های سابق شوروی، 12 کشور در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، 7 کشور در اروپا و آمریکای شمالی، و 1 کشور در اقیانوسیه می‌شود. با این حال، همه مردان تمایل ندارند که دیرتر بازنشسته شوند. آنها ممکن است بخواهند زودتر بازنشسته شوند تا بتوانند بیشتر استراحت کنند. از سوی دیگر زنان نیز ممکن است بخواهند مانند مردان به کار خود ادامه دهند. با این حال، سن بازنشستگی زود هنگام آنها را محدود می‌کند. این وضعیت برای هر دو جنس، نوعی نابرابری محسوب می‌شود.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



افزایش دستمزد قبل از پایان سال دود شد و به هوا رفت

صادق



دستمزد حداقل بگیران امسال با کلی تبلیغ و جنجال فربیکارانه و تقسیم مدال های افتخار بین نمایندگان تشکلهای سر سپرده حکومتی در شورای عالی کار ۴۵ درصد و سایر سطوح مزدی نیز ۳۲ درصد افزایش پیدا کرد. اساس تعیین اضافه دستمزد ظاهرا نرخ تورم اعلام شده توسط اداره آمار بود

بعد از اعلام خبر این افزایش نمایندگان شوراهای اسلامی در شورای عالی کار همگی از این به اصطلاح افزایش اظهار رضایت کردند و از آن بعنوان گامی در جهت کاهش شکاف بین دستمزد و هزینه ها نامیدند. اظهار خوشحالی از بابت افزایش ۴۵ درصدی در حالی انجام شد که وزیر کار خوش گفت ۲۰ درصد آن بابت پرداخت نشدن ۲۰ درصد دستمزد سال گذشته است. یعنی افزایش مزد در واقع ۲۵ درصد بوده است. همچنین خود این جماعت سبد هزینه خانوار را بیش از ۲۳ میلیون اعلام کرده بودند و تشکلهای مستقل آنرا ۶۰ میلیون

علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر که خجالت می کشید از دست پخت زیر دستی هایش دفاع کند، گفت افزایش مزد باید شناور شود، یعنی اینکه فصل به فصل افزایش پیدا کند، با این وصف همه می دانند که دادن این وعده کاذب برای فریب کارگران است

تنها یک هفته بعد از اعلام این خبر اداره آمار نرخ تورم را ۳۷ درصد اعلام کرد و معلوم شد جناب وزیر در شارلاتان بازی انصافا یک سر و گردن از وزرای گذشته بالاتر است

البته همین آمار ۳۷ درصدی به گفته عده ای از کارشناسان اقتصادی حداقل ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از نرخ واقعی تورمی است که هفته به هفته همچنان در حال رشد است و سقوط روز به روز ریال که به معنی کاهش قدرت خرید کارگران و مزدبگیران است نیز سرعت گرفته است

خودشان می گویند نرخ تورم ۳۲ درصد است، با این همه حقوق بازنشستگان و کارکنان دولت را ۲۰ درصد یعنی ۱۲ درصد کمتر از نرخ دستکاری شده تورمی که اعلام کردند "اضافه" یا دقیقتر گفته باشم ۱۲ درصد کاهش دادند و همزمان تنها قیمت دارو را ۴۰۰ درصد افزایش دادند

حسن صادقی کسی که بر راس تشکل قلابی "پیشکسوتان" گمارده شده و قبل از این تصمیمات مدعی عقب ماندگی ۱۹۰ درصدی دستمزدها از هزینه های زندگی بود چنان که مسبوق به سابقه است نه کلامی! علیه تعدیل حقوق بازنشستگان گفت و نه اقدامی انجام داد



بعد از این به اصطلاح افزایش اسمی دستمزدها همچنان در حد یک چهارم هزینه خانوار شهری منجمد ماند تا به سیاست سرکوب دستمزدی حکومت خدای ناکرده خدشای وارد نشود

تعیین دستمزد حداقل در شرایطی انجام گرفت که موج بیسابقه‌ای از اعتراضات زحمتکشان سراسر کشور را در بر گرفته بود و رشد جهشی قیمت‌ها بخصوص مواد غذایی همه را حیران و شگفتزده نموده بود

حالا اما هنوز یک هفته بیشتر از آغاز سال نو و ۱۰ روز از مصوبه دستمزدی شورای عالی کار نگذشته که حتی بعضی از روسای تشکلهای حکومتی هم اعتراف می‌کنند، که افزایش ۲۵ درصدی دود شده و به هوا رفته است

برای مثال خبرگزاری ایلنا در ۷ بهمن به نقل از سمیه گلپور (رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور) نوشت: افزایش ۴۵ درصدی دستمزد نیز تجربه جالبی داشتیم. اگر در سال‌های گذشته ارزش افزایش مزد کارگران در پایان بهار یا در اردیبهشت و فروردین با تورم ابتدای سال از بین می‌رفت، در عوض امسال ارزش افزایش ۴۵ درصدی حداقل دستمزد به دلیل تورم لجام گسیخته و رشد شدید قیمت طلا و ارز در اسفندماه سال ۱۴۰۳، پیش از تحویل سال از بین رفته و اثر مصوبه مزدی خنثی شد! گویی مانند یخ‌های اسفندماه که روی کوه‌ها امسال به سرعت آب شد، افزایش مزد نیز مانند نوشته‌ای روی یک یخ فوراً آب شده و بی‌اثر گشت

البته این کشف جدیدی نیست همه ساله چنین بوده است. ولی از این خانم باید پرسید شما که تجربیات همه ی سالهای گذشته را داشتید چرا امسال باز از همان سوراخ گزیده شدید و چرا به نمایندگان تان اجازه دادید زیر مصوبه فریب دستمزدی را امضا نموده و بابت آن مدال به خود بدهند؟ غیر از این است که همه ی شما مامور هستیید و معذور و اساساً برای چنین مسائلی در راس تشکلهای حکومتی گمارده شده‌اید؟

اعتراض " شما غیر از این است که حکم نوشدارو بعد از مرگ سهراب را دارد و برای خالی نبودن عریضه " است؟ شما که خودتان بخشی از این بازی هرساله بوده‌اید، چرا سعی می‌کنید کاسه کوزه را بدون آدرس دادن بر سر دیگران بشکنید و منکر نقش خودتان می‌شوید؟

بازندگان بحث دستمزدی امسال نیز کسی به غیر از کارگران، کارکنان دولت، بازنشستگان و برندگان امسال آن نیز کسانی غیر از حکومت، سرمایه داران و سرکردگان همین تشکلهای حکومتی مزدور و فریبکار نبودند. تجربه تلخ امسال بار دیگر ضرورت گسترش اعتراضات سازمانیافته همه ی مزد و حقوق بگیران تا سطح اعتصاب عمومی سراسری و جدی گرفتن امر مبرم تشکل یابی طبقه کارگر بعنوان امکان رهایی از فقر و فلاکت و حاکمیت پاسدار این نظم جهمنی برده دارنه را جلوه گر ساخت. ما برآستی مجبور به انتخاب هستییم. انتخاب بر سر بردگی و آزادی و این جز با اتحاد و همبستگی و سازمان دادن خود میسر نمی‌شود. بیاید امسال را به سال سازماندهی، اتحاد و همبستگی و رفتن بسوی اعتصاب عمومی تبدیل کنیم

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



بدون متشکل شدن دفاع از حقوق و معیشت ممکن نیست!

پیرامون حمله وحشیانه چماقداران مزدور به اعتصاب نیبرها در هفت تپه

امید



در هفتم فروردین اعتراض صنفی مسالمت آمیز کارگران زحمتکش فصلی نیبر هفت تپه از طرف نیروهای حراست شرکت و عده‌ای از اوباشان چماق بدست محلی اجیر شده توسط مدیران شرکت و نهادهای حکومتی مورد یورش قرار گرفت.

در جریان این یورش خشونت آمیز عده‌ای از کارگران مجروح و تعدادی نیز بازداشت شدند. چماقداران در این یورش حتی خودروهای پارک شده در محوطه شرکت را از تعرض در امان نگذاشتند و خسارات زیادی به آنها وارد کردند.

علت اصلی این اعتصاب آنطور که خبرگزاری ایلنا نقل کرده است، نگرانی کارگران از نداشتن امنیت شغلی بوده است که با ورود ماشین آلات نی بری بر نگرانی کارگران بابت نداشتن امنیت شغلی افزوده است. نگرانی بواسطه تهدید امنیت شغلی در شهری که امکان یافتن شغل بسیار اندک است البته به حق است. این نگرانی وقتی بیشتر می شود که بعد از اخراج نه شغلی وجود داشته باشد و نه بیمه بیکاری درستی.

اعتراض کارگران اگر بخاطر ماشینی کردن برداشت محصول باشد، باید گفت متأسفانه واقعیتی است که نمی شود آن را کاری کرد. این اعتراض تداعی کننده دوره‌ای از ماشینی کردن تولید در انگلستان است که باعث بیکار کردن کارگران می شد و برای مدتی اختلاف بین کارگر و کارفرمایان را به دشمنی کارگر با ماشین تبدیل کرده بود و معلوم بود که به جایی که بسود کارگر باشد ره پیدا نمی کرد.

کارگران پس از مدتی تلاش که با شکستن و از کار انداختن ماشین ها همراه بود سر انجام دانستند که باید در جستجوی راه‌های تازه‌ای باشند.

در آن موقع صنعت در انگلستان به شدت در حال رشد بود و کارخانه های تازه‌ای تاسیس می شدند که به رغم ماشینی بودن، مشاغل تازه‌ای ایجاد می کردند و عده‌ای از بیکاران را جذب می کردند. در آن ایام بود که بواسطه گسترش اعتراضات بیکاران موضوع بیمه و قوانین کار بتدریج در انگلستان شکل گرفت و رشد کرد.

در ایران امروزی اما قضیه روندی معکوس در جریان است، از سویی به گفته کارشناسان مستقل ۶ میلیون بیکار وجود دارد و شمار بیکاران رو به افزایش دارد، از سوی دیگر حقوق بیکاری به حداقل رسیده و به شدت محدود و سخت شده است، بهمین خاطر برای اکثر کسانی که مشاغل خود را ناخواسته از دست می دهند، نه شغل تازه وجود دارد و نه به ۹۰ درصد آنها حقوق دوران بیکاری می دهند.



حتی اگر کارگران بیکاری بیمار بشوند خودشان باید هزینه دارو و درمان خود را پرداخت کنند. بیکاری در ایران بویژه برای آنهایی که متاهل هستند و زن و بچه دارند، حکم محکومیت به زندان با اعمال شاقه و برای عده‌ای حکم اعدام را دارد.

متأسفانه وضعیت نیز سال به سال بدتر می‌شود، شمار کارگرانی که نه بیمه دارند و نه امنیت شغلی سال به سال بیشتر می‌شود. بسیاری از کارماها یا کارگران خود را بیمه نمی‌کنند و اگر بیمه می‌کنند بر مبنای حداقل حقوق بیمه می‌کنند. بهمین دلیل کارگر وقتی بیکار می‌شود تحت پوشش بیمه بیکاری نیمه بندی که وجود دارد قرار نمی‌گیرند و وقتی هم که بازنشسته می‌شوند مستمری‌هایشان به شدت کاهش پیدا می‌کند و با حقوقی که می‌گیرند نمی‌توانند هزینه‌های زندگی خود را تامین کنند. دولت نیز نه تنها سهم ۳ درصدی خود به تامین اجتماعی را سالهاست نداده است، بلکه با دستبرد مداوم به اندوخته‌های تامین اجتماعی این سازمان را در معرض ورشکستگی قرار داده است. کار بجایی رسیده است که بیمه شدگان مجبور هستند بخش عمده هزینه‌های دارو و درمان خود را بدهند و اگر پول آن را نداشته باشند مجبورند از خیر دارو و درمان بگذرند.

در چنین اوضاع و احوالی که غارتگران و دزدان حاکم بوجود آورده‌اند روشن است که بیکاری و نداشتن امنیت شغلی و اجتماعی برای کسانی که به راحتی آب خوردن اخراج می‌شوند تا چه اندازه دردناک و رنج آور است.

فشار به کارگران در هفت تپه اما سوبه‌های دیگری هم دارد و آن مجازات کارگرانی است که با مبارزات درخشان خود توانستند پرده فسادهای نجومی ناشی از خصوصی سازی را بر افکنند و کارخانه را از غارتگران پس بگیرند. اکنون که دوباره زمزمه خصوصی سازی هفت تپه شروع شده، گسیل چماقداران برای سرکوب مشتی کارگر زحمتکش که خواستی غیر از تامین امنیت شغلی شان ندارند و به راه انداختن بحث عرب و عجم مقدمه‌ای برای فراهم کردن زمینه واگذاری کارخانه، به یکی از سرکردگان مافیای حاکم است. گویا این بار قرار است واگذاری با چوب و چماق و تفنگ انجام شود.



دیدار نوروزی جمعی از فعالان صنفی و مدنی با خانواده‌ی محمدنجفی وکیل شجاع و مردمی اهل شازند روز پنجشنبه ۷ فروردین ۱۴۰۴، جمعی از فعالان صنفی و مدنی اسلامشهر، اراک، گیلان و البرز به دیدار وکیل زندانی در زندان اوین، رفتند خانواده‌ی **محمد نجفی**

محمد نجفی بیش از هفت سال است که به خاطر انتقاد به شیوه‌ی حکومت داری حاکمان جمهوری اسلامی در زندان است و در زندان به بیماریهای گوناگونی، مانند: دیابت، فشار خون و درد سخت کمر گرفتار



شده است. محمد به تازگی دچار بیماری دیگری شده که هنوز ریشه آن معلوم نیست و سبب بروز علائمی همچون سرگیجه ، تهوع و بی هوشی می شود

مسئولین زندان و وزارت اطلاعات از فرستادن وی به بیمارستان برای درمان جلوگیری کرده اند. مسئولیت هرگونه پیشامد ناگوار بر دوش مسئولین زندان و وزارت اطلاعات است



هشدار کارگران صنعت حمل و نقل هند علیه خصوصی سازی

سه شبه جمع بزرگی از کارگران بخش حمل و نقل از سراسر کشور در دهلی نو تظاهرات کرده و خواستار تغییر قانون خصوصی سازی به نفع رانندگان اتوبوس ها و کارگران خدمات ریلی و.. هند شدند



صد در صد جامعه فرهنگی ایران زیر خط فقر زندگی می کند

بنا بر اطلاعات منتشر شده در سامانه ثبت حقوق و مزایا، بر اساس آمارهای به دست آمده سال قبل وزارت نفت، وزارت اقتصاد، وزارت نیرو و وزارت کار، به ترتیب بیشترین میانگین ناخالص پرداختی را در بین کلیه دستگاه های اجرایی داشته اند.

- ♦ کمترین پرداختی مربوط به وزارت آموزش و پرورش است که کارمندان ش از وزارتخانه هایی همچون بهداشت ، ارشاد ، ورزش و گردشگری هم دستمزد پایین تری دریافت می کنند
- ♦ پرداخت های حکم شامل حقوق و مزایای ثابت مندرج در حکم کارگزینی یا قرارداد کار مانند: حقوق پایه و فوق العاده ها است و پرداخت های غیر حکم شامل مزایایی مانند: کمک هزینه های رفاهی و معیشتی می شود.
- ♦ بر اساس برآوردهای میدانی و کار پژوهشی صورت گرفته خط فقر در کلان شهرها بالای ۳۵ میلیون تومان است و برای شهرهای کوچک ۳۰ میلیون است.



پی نوشت : در حالیکه براساس آمارهای رسمی همین گزارش خط فقر بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان در ماه تعیین شده است، میانگین دریافتی معلمان نزدیک به پانزده میلیون تومان است و هیچ معلمی در مجموعه آپ حتی با بالاترین سابقه دستمزدی نزدیک به ۳۵ میلیون تومان ندارد.

این نشان می‌دهد که صد در صد جامعه فرهنگی ایران زیر خط فقر زندگی می‌کند و تبعیض میان معلمان، کارگران و بازنشستگان با سایر اقشار اجتماعی به شکافی بزرگ تبدیل شده است.

نمود این شکاف عظیم را می‌توان در برگزاری تجمعات پی در پی این سه قشر اجتماعی مشاهده کرد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از کمپین فعالین بلوچ، امروز دوشنبه ۷ فروردین ۱۴۰۴، شماری از کارگران معدن تیتانیوم کهنوج در مقابل ساختمان محل کار خود، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بر اساس این گزارش، این تجمع در اعتراض به اخراج ۱۰ تن از کارگران این مجموعه صورت گرفته است. طی شش ماه گذشته، این شرکت نزدیک به ۶۰ نیروی بومی را به بهانه اتمام قرارداد و عدم نیاز به نیرو، از کار اخراج کرده است.

این کارگران با انتقاد از سکوت مسئولان و نمایندگان کهنوج در قبال این مسئله، خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند. آنها معتقد هستند که اخراج کارگران که از شهروندان بومی هستند، به دلیل استخدام افراد نزدیک به مسئولان مجموعه صورت گرفته است.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>